

صالح بر صالح

ویژه نامه مسیر صالحان

از امام خمینی ره تا حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای

هفته نامه افق حوزه | شماره هفتم | دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵

خاطرات

امام سید مجتبی خامنه ای

از امام شهید ره

خاطرات امام سید مجتبی خامنه ای از امام شهید ره

• رابطه علمی رهبر شهید انقلاب با پدرشان آیت الله سید جواد خامنه ای

ظاهراً ابتدا مرحوم آقا (آیت الله سید جواد خامنه ای) به عمومی ما آقا سید محمد آقا یک درس می گفتند و به پدرم درس سطح پایین تری را می گفتند که بعد از مدتی، درس این دو نفر یکی می شود و با هم «شرح لمعه» را نزد مرحوم آقا می خوانند. پدرم می گفتند: در دوره ای وقتی من از درس آقای میلانی برمی گشتم، مرحوم آقا هم از نماز حرم برمی گشت و ما در راه به هم می رسیدیم. مرحوم آقا از من سؤال می پرسیدند که آقای میلانی امروز در درس چه گفت، من شروع به تقریر درس آقای میلانی می کردم و ایشان نیز نکاتی در تکمیل یا توضیح می گفتند؛ البته مرحوم آقا این کار را روی حساب می کردند تا پدرم بلافاصله بعد از آن درس مهم، یک نوع مباحثه با یک فرد ارشد داشته باشند و نکاتی را بگویند. این فرایند، بسیار مؤثر است و مطلب را در ذهن حک می کند و اگر مستمر انجام شود، اثرات بسیار مهم و فراوانی دارد. گویا این برنامه هم مدتی استمرار داشته است.

• دورکعت نماز برای والدین

ایشان هم در زمان حیات والدین و هم بعد از آن برایشان نماز می خوانند. ما وقتی که نوجوان بودیم، در فصل های ابتدایی سال چون اذان صبح زودتر است و آقا هم مقتید به نوافل شب بودند، چندان نماز صبح آقا را درک نمی کردیم؛ اما در فصل های سرد که اذان صبح در تهران کمی قبل از ساعت شش است، نماز آقا را می دیدیم. همان حدود ساعت شش بیدارمان می کردند و اول نماز می خواندیم و صبحانه ای می خوردیم و بعد می رفتیم مدرسه. آن موقع می دیدم که آقا بعد از نماز صبح، دورکعت نماز می خوانند. یک وقتی از ایشان سؤال کردم که این نماز برای چیست؟ آقا جواب دادند: این هدیه هر روز من به آقا و خانم است. این نماز را آن موقعی می خوانند که هر دوی آن ها در قید حیات بودند. احتمال می دهم حالا هم آقا آن را بخوانند، منتها زمانش را تغییر داده اند و پیش از اذان صبح می خوانند. این روزها که توفیق بود بعد از نماز صبح خدمت شان بودم، ندیدم که آن نماز را بخوانند و احتمالاً آن را به شب منتقل کرده اند.

حدس من این است بعد از فوت این بزرگواران، آقا بیشتر از این ها هم انجام داده باشند؛ چون آقا برای بعضی افراد که به لحاظ نسبی دورترند هم، مقتید به انجام برخی امور هستند؛ هم برای اموات و هم حتی برای کسانی که زنده اند. گاهی اوقات آقا برای کسانی طلب مغفرت می کنند که شاید خود آن افراد با آقا میانه چندان‌ی نداشته باشند.

• من افتخار می کنم که فقیر هستم!

من در کودکی از کلمه «فقیر» بدم می آمد. خب بچه بودم و تصوّر از «فقیر» مثلاً کسی بود که گوشه خیابان می نشیند و گدایی می کند. آن زمان هنوز انقلاب پیروز نشده بود و من کلاس دّوم دبستان بودم و مشهد زندگی می کردم. در همین خانه ای که الآن هم هست. یادم هست در گوشه ای از همان خانه، مقداری بسته های آذوقه و روغن نباتی بود. ما، یعنی سه فرزند و پدر و مادر، نشستیم و در حال صحبت بودیم که آقا در میان کلام گفتند که من افتخار می کنم که فقیر هستم! تا این را آقا گفتند، این قدر این جمله برای من ضرب داشت که یک دفعه گویا تصوّر نسبت به «فقر» عوض شد؛ به طوری که تا الآن هم همین جوری هستم. این به نوعی نشانه بی تعلّق بودن ایشان به دنیا از همان اوایل زندگی و تارک بودن ایشان است.

• وضعیت زندگی

ایشان اصلاً اجازه نمی دهند، زندگی شان دچار زرق و برق شود؛

را می گیرد، به خانه آقا آمد.

• صندلی های پلاستیکی

مورد دیگر مثلاً این است که آقا از سال ۸۰ به دلیل کمردرد مجبورند، به تجویز دکتر روی صندلی بنشینند. ایشان حتی بین دو نماز باید روی صندلی بنشینند و تقریباً نشستن روی زمین ندارند و والده هم مشکل کمردرد دارند؛ اما صندلی و میزی که در خانه آقا وجود دارد، پلاستیکی است؛ مثل مغازه هایی که می خواهند بدون هیچ هزینه اضافه ای صندلی چوبی یا آهنی نخرند، ولی صندلی هم داشته باشند؛ لذا تعدادی از همین صندلی های پلاستیکی خریده اند و گوشه ای در اتاق پشتی منزل روی هم گذاشته اند برای مهمان ها که در مواقع نیاز به تعداد بیشتر، دور اتاق چیده می شود.

• سرویس خواب

از این دست وسایل قدیمی، می توان به تخت آقا اشاره کرد. تختی که آقا الآن روی آن می خوانند، همان تختی است که از سال ۶۰، یعنی از زمان ترور و جراحت و آسیب ناشی از آن، روی این تخت خوابیده اند و الآن چهل سال است که از آن استفاده می کنند. اگر یک نفر یک قلم و کاغذ بردارد، شاید بتواند بیش از پانزده مورد از این وسایل قدیمی را فهرست کند. والده نیز در این جهت بسیار مؤثر بوده اند؛ ایشان هم پایه پای آقا در تمام این سال ها بوده اند.

• شباهت هایی حضرت آقا با مادرشان

صدق و صفا

پدرم، با وجود فهم سیاسی و تجارب متراکم و دقّت هایی که در جزئیات دارند، صفا و صمیمیت خاصی هم دارند. امروز ۴۲ سال از انقلاب می گذرد و شاید بیش از پانزده سال نیز قبل از انقلاب، این مبارزات ادامه داشته است؛ در نتیجه، ایشان تجارب و تشخیص های مختلفی دارند؛ اما با وجود این، صفای خاصی دارند. صفا به معنی صدق. این شاید به آن دو بزرگوار، یعنی خانم و آقا، برمی گردد؛ زیرا آن ها نیز همین صفا را داشتند.

• صراحت لهجه

از جلوه های این صدق، صراحت لهجه است. من این حالت صراحت را در خانم دیده ام؛ مثلاً اگر کسی غیبت می کرد، صراحتاً به او می گفتند: غیبت نکنید یا آن حرف را قطع می کردند. یادم هست من بچه بودم و با ایشان و مادرم و بعضی دیگر به روضه ای در ابتدای خیابان احمدآباد می رفتیم. آنجا برخی از فرزندان صاحب خانه یا مهمانان دیگر بی حجاب بودند. خانم همان جا با یک یک آن بچه ها با لحن ملایم و با «دخترم» و الفاظی مانند آن شروع کرد به صحبت کردن و پیگیر ماجرا شد؛ به طوری که همان جا جادر به سر کردند؛ درحالی که نه مرحوم خانم فرد منسوب به قدرتی بود و نه پشتوانه دیگری از این قبیل داشتند.

تبیین جامع علل تعیین حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران

انتخاب رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران، بی‌گمان مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین رویداد سیاسی در حیات این نظام به‌شمار می‌آید. این انتخاب هرگز در قالب یک فرایند صرفاً حقوقی و تشریفاتی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تجلی عینی نظریه «ولایت فقیه» به‌عنوان بنیادی‌ترین رکن اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته و نظام سیاسی را بر محوریت فقیهی جامع‌الشرایط استوار ساخته است. بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی، وظیفه خطیر انتخاب، نصب و نظارت بر رهبری بر عهده مجلس خبرگان رهبری نهاده شده‌است؛ نهادی که خود از فقیهانی واجد شرایط تشکیل می‌شود و اعضای آن، با رأی مستقیم مردم برای دوره‌های هشت‌ساله انتخاب می‌شوند. با شهادت مظلومانه آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای‏ – که در پی جنگ تمام‌عیار و همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی و استقلال جمهوری اسلامی ایران و بر اثر بمباران هوایی بیت رهبری، به شهادت نائل آمدند – مجلس خبرگان رهبری با درک عمیق از

آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای

• **اول: زمینه‌های علمی، تربیتی و خانوادگی**

بر اساس اصل ۱۰۹ قانون اساسی، رهبر انقلاب اسلامی باید دارای صلاحیت‌های علمی و اجتهاد در فقه و اصول، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری باشد. بررسی جامع شخصیت علمی، اخلاقی و مدیریتی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای نشان می‌دهد که ایشان واجد همه این شرایط در تراز عالی هستند.

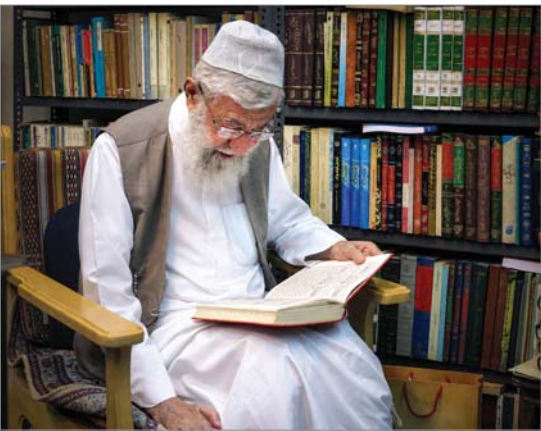
در ادامه، ابعاد زمینه‌ای این شایستگی‌ها را که ریشه در تربیت دیرینه و همراهی بی‌واسطه با مکتب و منهج رهبری شهید دارد، مرور می‌کنیم:

۱. **شاگردی ممتاز و بی‌واسطه در مکتب پدر؛ آشنایی عمیق با دانش اداره انقلاب**

مهم‌ترین عاملی که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را در کانون توجه و اعتماد خبرگان قرار داد، بهره‌مندی ایشان از فرصت استثنایی و تکرارنشده‌ی سی‌وهفت سال شاگردی، هم‌نشینی و همراهی بی‌واسطه با رهبر شهید‏ بود. رهبری در نظام جمهوری اسلامی هرگز به یک منصب سیاسی صرف یا جایگاهی تشریفاتی محدود نمی‌شود؛ بلکه نوعی «دانش مدیریت جهادی» و «استنباط فقه در تراز اداره حکومت» است که در دل تجربه عملی، مواجهه با مسائل مستحدثه و کاربست مفاهیم انتزاعی فقهی و اصولی در عرصه‌های پیچیده اجتماع، اقتصاد، سیاست و جنگ، شکل می‌گیرد و تنها از رهگذر سال‌ها مشاهده، مشارکت و تأمل در کنار رهبری کارآزموده و صاحب‌تدبیر، قابل اکتساب است.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای برخلاف دیگر گزینه‌های محتمل که هریک در بخشی از عرصه‌های علمی، اجرایی یا نظامی سابقه داشتند، از این فرصت کم‌نظیر و بی‌بدیل بهره‌مند شدند. ایشان از نزدیک و در طول بیش از سه‌دهه، شاهد چالش‌های متعدد و پیچیده‌ای بودند که نظام با آنها روبه‌رو بوده است؛ از دوران دفاع مقدس و مدیریت بحران‌های جنگی تا دوره بازسازی و سازندگی، از جریان‌های فتنه‌آمیز داخلی و اصلاحات و انحرافی تا مواجهه با تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ اقتصادی و از مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و حضور مستشاری در محور مقاومت تا مرحله نبرد تمام‌عیار با آمریکا و صهیونیسم که به شهادت پدر بزرگوارشان انجامید.

این «تجربه زیسته» و «حضور مستمر» در کنار رهبری شهید، به ایشان بصیرتی عمیق و نافذ نسبت به ظرایف، پیچیدگی‌ها



ادامه از صفحه اول

در یک مورد دیگر مثلاً خانم به تهران آمده بودند و بعضی از خانم‌های شخصیت‌ها که مطلع می‌شدند، از طریق والدہ ما ایشان را به مهمانی زنانه دعوت می‌کردند. در یکی از آن مهمانی‌ها که در منزل یکی از شخصیت‌های مهم بود، آن‌ها

تبیین جامع علل تعیین حضرت آیت‌الله امام سیدمجتبی خامنه‌ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران

مسئولیت تاریخی خویش و شرایط خطیر نبرد و تهدیدات همه‌جانبه دشمن، با رأیی قاطع و دور از هرگونه حاشیه، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران برگزید.

این انتخاب شایسته و مدترانه، در میانه جنگ و در زمانه‌ای بسیار حساس و پیچیده شکل گرفت که دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی با همراهی برخی دولت‌های مرتجع منطقه، زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را هدف قرار داده بودند و مراکز رأی‌گیری و تجمعات عمومی و از جمله محل برگزاری جلسات خبرگان، مستمراً در معرض بمباران و تهدیدات تروریستی قرار داشت. با این همه، خبرگان ملت با شجاعتی کم‌نظیر و با درک عمیق از مقتضیات زمان، از میان چندین فقیه واجد شرایط، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به‌عنوان شخصیتی جامع‌الشرایط و دارای ویژگی‌های برجسته برای رهبری انقلاب اسلامی تعیین کردند.

این انتخاب هوشمندانه و دقیق که با استقبال کم‌نظیر و فراگیر مردم شریف ایران مواجه شد و موجی از خشم و غضب را در اردوگاه دشمنان انقلاب برانگیخت، محصول درک و

ولایه‌های پنهان حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی بخشیده است. به‌تعبیر دقیق‌تر، ایشان نه‌تنها متون درسی و نظریات علمی فقه و اصول را فرافارگفته‌اند، بلکه «فقه ناظر به حل معضلات نظام» و «حکمت مدیریت» را در محضر استادی کارآزموده و مجاهد آموخته‌اند. این ویژگی، برای خبرگانی که وظیفه تعیین رهبری در میانه جنگ و با هدف حفظ و تداوم انسجام راهبردی نظام را بر عهده داشتند، عاملی تعیین‌کننده و غیرقابل چشم‌پوشی بود؛ درواقع، با انتخاب ایشان، خبرگان اطمینان حاصل کردند که همان منطق، همان نگاه و همان روشی که نظام را از گردنه‌های سخت تاریخی عبور داده است، در جایگاه رهبری تداوم خواهد یافت و این نویدی بود برای حفظ سرمایه‌های عظیم انقلاب که با خون شهدان و تدبیر رهبری شهید به ثمر نرسفته بود.

۲. **قرابت نسبت به اوصاف امام شهید‏**

معیارهای رهبری و صلاحیت‌های مندرج در قانون اساسی، هرگز در متون و کتب درسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این اوصاف می‌بایست در «وجود عینی» و «سیره عملی» فرد متجلی و مشهود باشد تا بتوان بر تحقق آنها در مقام عمل اطمینان یافت. بر اساس گواهی‌های متعدد و شهادت‌های مکرر اطرافیان، شاگردان و کسانی که با ایشان در ارتباط نزدیک و طولانی مدت بوده‌اند، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، نزدیک‌ترین شخص به سجایای اخلاقی، اوصاف مدیریتی و ویژگی‌های رفتاری پدر شهیدشان، حتی در میان برادران خود، به‌شمار می‌روند.

این ادعا، فراتر از یک نسبت خویشاوندی یا بزرگنمایی عاطفی، بر پایه مشاهده عینی و مستمر ویژگی‌های بارزی چون تدبیر و دوراندیشی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، شجاعت و جسارت در مواجهه با خطرات و تهدیدات، ساده‌زیستی و دوری از هرگونه تجمل‌گرایی، عدالت‌محوری و انصاف و داوری و برخورد با کارگزاران، روحیه انقلابی و پایبندی به آرمان‌ها و تواضع و فروتنی در برابر مردم استوار شده است.

به‌عنوان نمونه، خانم مرضیه وحید دستجردی (پزشک زایمان خانوادگی ایشان) در نقلی که از قول یکی از برادران آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌صراحت بر شباهت بسیار این برادر با پدر شهیدشان – در رفتار، منش و سلوک فردی و اجتماعی – نسبت به سایر برادران تصریح کرده‌اند. این نزدیکی سیره و روش، برای خبرگان که به دنبال تداوم مسیر انقلاب، پایداری بر اصول و حفظ سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام بودند، یک مزیت حیاتی، استثنایی و غیرقابل اغماض محسوب می‌شد که در هیچ‌یک از گزینه‌های دیگر به این جامعیت و به این روشنی

بصیرت خبرگان نسبت به اوصاف و ویژگی‌های ممتاز ایشان بود. علل و عواملی که این انتخاب را توجیه و تبیین می‌کند، علاوه بر احراز شرط اجتهاد در ایشان (ناظر به دو دهه تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم)، در چهار سطح قابل دسته‌بندی است: عوامل زمینه‌ای (شامل سوابق علمی، تربیتی و خانوادگی)، عوامل شخصیتی (شامل روحیات، منش و رفتار فردی)، عوامل راهبردی و اقتضانات زمانه (ناظر به شرایط جنگی و ضرورت تداوم مدیریت) و عوامل فراساختاری یافت نمی‌شد.

• **دوم: ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی و سیاسی**

ساختار شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری یک رهبر، در کنار دانش و تجربه، نقشی بی‌بدیل در کارآمدی و موفقیت او در مدیریت کلان جامعه دارد. در ادامه به دو ویژگی محوری شخصیتی و سیاسی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (یعنی روحیه انقلابی و ارتباط نهادینه با ارکان نظام) اشاره می‌شود.

۱. **روحیه انقلابی و پایداری بر اصول در عین عقلانیت**

«روحیه انقلابی» در قاموس اندیشه سیاسی امام شهید‏ ، مفهومی بسیار دقیق و عمیق است که هرگز به شعارزدگی، تندروی یا عمل‌گرایی بی‌ضابطه فروکاسته نمی‌شود؛ بلکه به‌معنای پایبندی راسخ و آگاهانه به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی، ایستادگی قاطع و عزتمندانه در برابر نظام سلطه و استکبار جهانی، هوشیاری و بیداری در برابر توطئه‌های نرم و سخت دشمن و عدم غفلت از وظایف اسلامی، انقلابی و ملی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است. شواهد متعدد، گواهان آگاه و قرائن فراوان نشان می‌دهند که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای همواره بر این گفتمان و رویه تأکید و تمسک داشته‌اند و در کشاکش ماجراهای فراوان سه‌دهه گذشته، دچار نوسان یا انحراف از خطّ اصیل انقلاب نشده‌اند.

تحلیل دقیق شخصیت ایشان نشان می‌دهد که در دوران پرالتهاب و سرنوشت‌ساز شکل‌گیری هویت سیاسی و فکری خود در سه‌دهه گذشته، شخصیتی متوازن و استوار در ایشان ساخته شد که نه در دام افراط‌گری و شتاب‌زدگی می‌افتد و نه از اصول و مبانی بنیادین انقلاب فاصله می‌گیرد. این اعتدال انقلابی – که آن را می‌توان «عقلانیت انقلابی» نامید – از جمله ویژگی‌های کم‌نظیر و در عین حال ضروری برای رهبری در شرایط خطیر و پیچیده پس از شهادت رهبری بود؛ شرایطی که جامعه و نظام پیش از هر زمان دیگر نیازمند جنگ‌زدن به اصول ثابت و در عین حال بهره‌گیری از تدبیر و دوراندیشی برای عبور از گرداب‌های فتنه‌آمیز و دشمن‌افکن بود.

۲. **ارتباط نهادینه و مستمر با ارکان نظام به‌ویژه نهادهای نظامی و امنیتی**

یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد رهبری در جمهوری اسلامی ایران، مدیریت هماهنگ، منسجم و متقن نهادهای متنوع نظام (اعم از قوای سه‌گانه، نهادهای انقلابی، نیروهای مسلح، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و شبکه گسترده نهادهای فرهنگی و مردمی) در چهارچوب یک ساختار منسجم

(شامل جایگاه ایشان در جبهه‌بندی دوستان و دشمنان)، این نوشتار با رویکردی تحلیلی به تبیین هریک از این علل و عوامل فوق می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مجموع این مؤلفه‌ها، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را نه صرفاً به‌عنوان فرزند رهبر شهید و نه صرفاً به‌عنوان یک گزینه محتمل در میان فقیهان واجد شرایط، بلکه به‌عنوان شخصیتی «اصلح» و مناسب برای جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی در عصر حاضر، «متعین» دانسته‌اند.

و مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. از این میان، فرماندهی کل قوا و مدیریت راهبردی نیروهای مسلح در شرایط جنگی و بحران‌های امنیتی، بی‌گمان یکی از سنگین‌ترین و حیاتی‌ترین وظایف رهبر محسوب می‌شود. هرگونه خلأ، ناهماهنگی یا عدم اعتماد میان فرماندهی معظم و نیروهای نظامی، می‌تواند در شرایط حساس، پیامدهای جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌دلیل سال‌ها حضور مستمر و دلسوزانه در کنار رهبر شهید، مشارکت در جلسات راهبردی و آگاهی عمیق از شبکه‌های ارتباطی، سلسله‌مراتب فرماندهی و فرایندهای تصمیم‌گیری درون‌ساختاری نظام، از این بستر پیچیده و حیاتی به‌خوبی آگاهی و اشراق داشتند. این ارتباط و آگاهی، هرگز از سر سلطه‌جویی، قدرت‌طلبی یا دخالت‌گری بی‌ضابطه نبود؛ بلکه مبتنی بر شناخت متقابل، اعتماد دیرینه و کارکردی بود که در طول دهه‌ها و در بستر بحران‌ها و برهه‌های سرنوشت‌ساز، میان ایشان و فرماندهان، مدیران ارشد و مسئولان کلیدی نظام شکل گرفته بود.

حضور مؤثر، کم‌صدا، اما تعیین‌کننده ایشان در پشت صحنه‌های مدیریت بحران‌های مختلف (از جمله در مقاطع حساس اقتصادی، امنیتی و نظامی) این اعتماد و اطمینان را نزد فرماندهان و مسئولان پدید آورده بود که ایشان «مدیری کاربلد، صاحب‌نظر و عمیقاً آشنا به زبان، منطق و نیازهای نیروهای مسلح» هستند و می‌توانند در حساس‌ترین شرایط، زمام هدایت کل قوا را با قدرت، تدبیر و صلاحیت در دست گیرند. این ویژگی، ریسک‌های ناشی از انتقال ناگهانی فرماندهی و تغییرات گسترده در مدیریت راهبردی جنگ را به حداقل ممکن می‌رساند و آرامش و انسجام را به نیروهای مسلح و مجموعه نظام بازمی‌گرداند. طبعاً این امر در شرایط نبرد تمام‌عیار کنونی، از هر گنجینه‌ای ارزشمندتر است.

• **سوم: اقتضانات زمانه**

هر انتخاب سیاسی در بستر زمان و مکان خود معنا می‌یابد و از اقتضانات خاص آن برهه تاریخی تأثیر می‌پذیرد. انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه، سه عامل اساسی مرتبط با هندسه میدان نبرد و اقتضانات منحصربه‌فرد پشاشهادت که هریک به سهم خود، انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را نه صرفاً یک انتخاب، بلکه یک «تعیین ضروری» و «الزام عقلایی» برای خبرگان و نظام رقم زد، تحلیل و بررسی می‌شوند.

ادامه در صفحه بعد

مرسوم برای آقااست؛ مگر وضعیّت خلاف قاعده‌ای پیش بیاید؛ وَاَلَا قاعده ایشان این است که همیشه با کتاب و مطالعه بخوانند. مطالعه ایشان از نظر تنوّع کتب و موضوعات هم بسیار گسترده و عجیب است. اگر کسی ایشان را همان زمان جوانی شان هم می‌دید، برایش جالب بود و این دیدگاه نسبت به ایشان از ناحیه افرادی که حتّی از حوزه نبودند و مثلاً در ادبیات و شعر یا حتّی در موضوعات روشن‌فکری سرشته داشتند، ابراز شده است.

• **امربه معروف ونهی‌ازمنکر**

خانم در بحث امربه معروف و نهی‌ازمنکر بسیار صریح بودند و این صراحت در پدرم نیز وجود دارد؛ مثلاً وقتی آقا ایران‌شهر تبعید بودند، یک‌بار رفته بودیم ملاقات ایشان. من کلاس سۆم دبستان بودم، ماه رمضان بود و هوا هم گرم. من می‌خواستم کتاب بخوانم؛ اما کتابی نداشتم. آقا آن موقع کلید سه تا کتابخانه شهر را داشتند، با هم رفتیم که کتاب انتخاب کنیم. در مسیر، جوانی را دیدیم که علناً ساندویچ می‌خورد؛ آقا همان جا به او تذکر دادند. حالا تصوّر کنید که آقا در آن شهر تبعید بودند؛ اما باز هم دست از نهی‌ازمنکر برنداشته بودند.

خاطرات امام سیدمجتبی خامنه‌ای از امام شهید‏

گاهی می‌رفتند در این مغازه‌هایی که کتاب‌های فرسوده و کهنه داشتند، می‌گشتند و از بین آن‌ها کتاب‌هایی را که به‌دردبخور بود، انتخاب می‌کردند. بعد خودشان آن‌ها را صخّافی می‌کردند و برمی‌داشتند برای مطالعه. من الآن یک کتاب «نصاب‌الضبیان» دارم که مال همان ایّام است و آقا خودشان آن را صخّافی کرده‌اند. کتاب «نصاب‌الضبیان» شاید اولین کتاب تحصیلی حساب بشود و من آن را از کتب صخّافی شده خود آقا دارم. یک‌بار به یکی از خدمه دفتر که برای مرتّب‌سازی اتاق به من کمک می‌کرد، این را توضیح دادم که مثلاً آقا هزینه تهیّه کتاب نداشتند و از میان آن کتاب‌ها که ارزان‌تر بود، این‌ها را جمع و صخّافی می‌کردند. وقتی این‌ها را توضیح می‌دادم، او به‌شدّت متأثر شده بود. بنابراین، من فکر می‌کنم عادت مطالعه ایشان فوق این مطالب است؛ مثلاً مطالعه قبل از خواب یک امر کاملاً

^[1]

هرگز در متون و کتب درسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این اوصاف

شهود باشد تا بتوان بر تحقق آنها در مقام عمل اطمینان یافت.

شاکر دگان و کسانی که با ایشان در ارتباط نزدیک و طولانی مدت

به سجایای اخلاقی، اوصاف مدیریتی و ویژگی های رفتاری پدر

دلسوزانه در کنار رهبر شهید، مشارکت در جلسات راهبردی و

ی و فرایندهای تصمیم گیری درون ساختاری نظام، از این بستر

و آگاهی، هرگز از سر سلطه جویی، قدرت طلبی یا دخالت گری

بریننه و کارکردی بود که در طول دهه‌ها و در بستر بحران‌ها و

شد و مسئولان کلیدی نظام شکل گرفته بود.

ادامه از صفحه قبل

۱.ناخشنودی دشمن؛

مهندسی معکوس در سنجش اصلاح‌بودن

در منطق سیاسی و مکتب مبارزاتی انقلاب اسلامی که از سیره ائمه معصومین ^(علیهم‌السلام) و آموزه‌های قرآنی سرچشمه گرفته است، واکنش دشمن نسبت به یک اقدام، یک شخص یا یک جهت‌گیری راهبردی، خود می‌تواند نشانه‌ای روشن و قرینه‌ای معتبر برای سنجش درستی و صواب‌بودن آن مسیر باشد. این روش تحلیل که در ادبیات راهبردی از آن به «مهندسی معکوس» تعبیر می‌شود، به این معناست که اگر دشمن از انتخاب فردی به‌شدت ناخشنود و خشمگین شد، می‌توان

به‌روشنی دریافت که آن انتخاب قطعاً به نفع نظام، در مسیر عزت و استقلال کشور و مطابق با راهبردهای مقابله با سلطه بوده است.

فارغ از اسناد محرمانه و اطلاعات درونی دشمن، تحلیل مواضع آشکار و پنهان نظام سلطه در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌روشنی گواهی می‌دهد که دشمنان این نظام، همواره به دنبال تضعیف پایه‌های اعتقادی، تغییر رویه‌های راهبردی و جایگزینی چهره‌هایی به‌دور از آرمان‌های انقلابی در رأس هرم قدرت بوده‌اند. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌عنوان چهره‌ای که از کودکی و نوجوانی در متن انقلاب و در کنار پدر بزرگوار و مجاهد خویش زیسته و بر اصول و مبانی آن تأکید و پایبندی عملی داشته است، به‌یقین گزینه مطلوب و مناسب دشمنان نظام نبوده است.

شاهد روشن این مدعا، واکنش‌های خشم‌آلود، اظهارات تهدیدآمیز و مواضع تخریبی رسانه‌های معاند وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی در ساعات و روزهای نخست پس از اعلام انتخاب ایشان بود که به‌وضوح بیانگر ناخشنودی عمیق آن‌ها از این تصمیم هوشمندانه بود. همچنین، شواهد متعددی از حمایت و ابراز اعتماد گروه‌های مقاومت منطقه‌ای (از حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین، جنبش حماس، انصارالله یمن و دیگر نیروهای محور مقاومت) نسبت به ایشان وجود دارند که در پیام‌ها، اعلامیه‌ها و تصاویر منتشرشده متجلی شده‌اند. این حمایت، به‌روشنی گواهی می‌دهد که ایشان به‌عنوان رهبری مورد اعتماد، استوار و انقلابی در جبهه مقاومت شناخته می‌شوند. امری که به‌یقین مایه خشم، نگرانی و ناخشنودی فراینده دشمنان و بدخواهان نظام است.

۲.ضرورت تداوم راهبردهای کلان در شرایط جنگی

با شهادت جانسوز و مظلومانه رهبری شهید، نظام جمهوری اسلامی در گریودار یک جنگ تمام‌عیار، همه‌جانبه و بی‌سابقه با انتلافی از دشمنان خارجی به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های مرتجع منطقه قرار گرفت. در چنین شرایط هولناک و سرنوشت‌سازی، تغییر ناگهانی، انقطاعی یا بنیادین در راهبردها، رویه‌ها و فرایندهای مدیریت جنگی، حتی اگر با انگیزه‌های اصلاحی یا بهینه‌سازی همراه باشد، می‌تواند به‌مثابه شکستن زنجیره فرماندهی، ایجاد خلأ در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، سردرگمی نیروهای عمل‌کننده در جبهه‌ها و بروز

تبیین مفهوم «الهیات مقاومت»

در اندیشه رهبر شهید ﷺ بر اساس

نخستین پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کاشی‌زاده

دومین نشست از سلسله هم‌اندیشی‌های علمی با موضوع «میراث کلامی رهبر شهید^(علیه‌السلام)» به‌صورت حضوری و مجازی برگزار شد. این نشست که توسط گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار گردید، با محوریت تبیین مبانی اعتقادی و عملی مقاومت، بستری برای گفت‌وگو پیرامون میراث ماندگار رهبر شهید فراهم آورد. به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کاشی‌زاده، عضو هیئت علمی پژوهشگاه، با ارائه تحلیلی دقیق، به تبیین مفهوم «الهیات مقاومت» پرداخت و آن را در دو محور نظری و عملیاتی بازخوانی کرد.

بخش نخست به چپستی و پایه‌های نظری مقاومت در الهیات اجتماعی می‌پردازد و بخش دوم، این مبانی را بر بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تطبیق می‌دهد تا مدلی عملیاتی برای دیپلماسی مردمی ترسیم کند.

مقاومت زمانی که ذیل «الهیات اجتماعی» تعریف شود، انضمامی، عینی و عملیاتی می‌گردد. در این نگاه، هرچند تربیت و رشد فردی شرط لازم است؛ اما حیث مردمی و حرکات جمعی اصل قرار می‌گیرد. نتیجه سلبی توحید در عرصه اجتماعی، «نفی عبودیت غیرخدا» است؛ این همان مبنایی است که در نخستین نوشته‌های رهبر شهید^(علیه‌السلام) با عنوان «توحید، نفی عبودیت غیر خداست» منعکس شده است. ایشان در پاسخ به غایت حرکت خود می‌فرمودند: «می‌خواهیم توحید را حاکم کنیم؛ توحید هم به‌معنای نفی عبودیت غیر خدا.»

۴.نسبت توحید با لایه‌های اجتماعی(براساس کتاب طرح کلی)

با پیوند این اندیشه به نگاه جامعه‌پردازی رهبر شهید در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، مشخص می‌شود که «توحید، نفی طبقات اجتماعی است.» در برابر معبود یگانه، همه بنده‌اند و هیچ‌کس برتری ذاتی یا طبقاتی بر دیگری ندارد. عالی‌ترین منزلت در جامعه ایمانی متعلق به رسول است؛ اما مهم‌ترین ویژگی او نیز «عبد بودن» است (محمداً عبدهً ورسوله). با نفی مطلق عبودیت غیرخدا و رفع طبقه‌بندی‌های ظالمانه، مفهوم «ولایت» جایگزین می‌شود؛ پیوندی که مؤمنان را از طریق ولی الهی به خداوند متصل کرده و پیوستگی و انسجام واقعی اجتماعی ایجاد می‌کند.

• بخش دوم: هسته مرکزی و لایه‌های الهیات مقاومت

الهیات مقاومت پدیده‌ای تک‌بعدی نیست؛ بلکه منظومه‌ای ساختاریافته است که می‌توان آن را در سه لایه متداخل و پیوسته به هم (از مغز و هسته تا لایه‌های بیرونی و عملیاتی) تحلیل کرد:

۱. هسته مرکزی (رکن اعتقادی و درونی‌ترین لایه)؛ ریشه و قلب این الهیات، «توحید» و «قیام لله» است. این بخش، موتور محرک و ضامن اخلاص و پایداری حرکت است که بدون آن، مقاومت معنای اسلامی و الهی خود را از دست می‌دهد.

۲.لایه میانی(از نگاه عمومی و عام بشر)؛ این لایه که بر گرد هسته توحیدی شکل می‌گیرد، بر «کرامت انسانی» و «عدالت‌خواهی» تمرکز دارد. این مفاهیم گرچه ذیل توحید قابل تفسیرند؛ اما کشتی عام و فرادینی دارند؛ به‌طوری‌که هر انسان آزاده‌ای در

دوستگی و تردید در میان کارگزاران ارشد نظام تلقی شود و هزینه‌های هنگفت و گاه جبران‌ناپذیری را بر کشور و نظام تحمیل کند.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌دلیل آگاهی کامل، اشraf دقیق و درک عمیق از فرمول‌ها، ضابطه‌ها و راهبردهای کلان نظام در مواجهه با انواع و اقسام جبهه‌های جنگ اعم از جبهه‌های سخت‌افزاری و نظامی، جنگ نرم و رسانه‌ای، جنگ اقتصادی و تحریم و جنگ ترکیبی و امنیتی، این اطمینان و اعتماد راسخ را به خیرگان و مجموعه نظام انتقال دادند که «جهت‌گیری»، «نگاه» و «منطق» کلی نظام در مواجهه با دشمن، نه‌تنها تغییری نخواهد کرد، بلکه با قدرت، انسجام و صلابت بیشتری ادامه خواهد یافت و برنامه‌های بلندمدت، راهبردهای تدوین‌شده و تشکیلات منسجم جنگی با عزمی راسخ پیگیری خواهند شد.

این «تداوم راهبردی» و «انسجام فرماندهی» در برابر دشمنی که همواره به دنبال بهره‌برداری از هرگونه خلأ، انفصال، دودستگی و آشفتگی در صفوف داخلی ایران است، ضرورتی حیاتی، اصلی غیرقابل‌تخلف و الزامی عقلانی محض به‌شمار می‌آمد. به‌تعبیر دیگر، انتخاب ایشان در این برهه، نه یک انتخاب تشریفاتی یا ترجیحی، بلکه یک «الزام عقلایی ناشی از مقتضیات میدان نبرد» بود. شاید به‌همین دلیل بود که دشمنان از این انتخاب تا این اندازه ناخشنود و مأیوس شدند؛ زیرا با این انتخاب، نظام نه دچار تغییر رویه و نه سست شد؛ بلکه با رهبری جوان‌تر، باتجربه‌تر در حوزه مدیریت بحران و با انگیزه‌ای مضاعف، بر عزم راسخ خود برای تداوم راه شهیدان افزود.

درواقع، آنچه دشمنان را بیش از پیش به خشم آورد، این واقعیت بود که با شهادت خامنه‌ای پا به سن گذاشته، اداره نظام اسلامی با همان ملاک و محور لکن با راهبری و هدایت خامنه‌ای جوان‌تر، پرشورتر و با نشاط‌تر استمرار یافت و پرچم مبارزه با آنان در دست رهبری جوان و پرنشاط قرار گرفت.

۳.همسویی با نگاه امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام)

در ساده‌زیستی، زهد و درک مردم

امام راحل و امام شهید انقلاب، همواره بر ویژگی‌های اخلاقی ولایی چون «ساده‌زیستی» و «زهد» و «دوری از تجملات» به‌عنوان شاخص‌های اصلی، غیرقابل‌تخلف و بنیادین برای رهبری جامعه اسلامی و همچنین همه کارگزاران نظام تأکید



جهان، حتی اگر به خدا معتقد نباشد، بر اساس فطرت خویش ظلم را نفی کرده و طالب کرامت و عدالت است.

۳. لایه عملیاتی (پوسته بیرونی و ملموس)؛ این لایه، مظهر عینی و اجتماعی دوا لایه قبل در صحنه تاریخ است که خود را در قالب «ایجاد همبستگی و پیوند میان مستضعفان جهان» نشان می‌دهد. هدف این لایه، بسیج آحاد جامعه و ملت‌های تحت ستم برای ایستادگی عملی در برابر مستکبران و جریان استعمار و استثمار است.

• بخش سوم: تطبیق الهیات مقاومت

بر بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

این بیانیه تجلی عینی و اسناد راهبردی الهیات مقاومت در مقام عمل است که می‌توان آن را در ۷ محور کلیدی خلاصه کرد:

هسته مرکزی توحیدی؛ در جای‌جای متن بیانیه، اتکا به قدرت لایزال الهی و اخلاص برای خداوند به‌عنوان پشتیبان اصلی حرکت به‌وضوح مشهود است.

عنصر گوهرین ولایت؛ بیانیه با تأکید بر پیوند ولایی میان مؤمنان آغاز می‌شود. تصریح بر این واقعیت که مقصود از جانشینی، صرفاً شخص صادرکننده بیانیه نیست؛ بلکه تداوم‌بخشیدن به همان پیوند ولایی و «بعثت امتی» است که رهبر شهید^(علیه‌السلام) پیش‌تر بشارت آن را داده بودند.

وجه سلبی و مبارزه با استکبار؛ نفی حاکمیت غیرخدا با صراحت در قالب تقابل با «نظم ظالمانه جهانی»، ایستادگی بر شعار «نه شرقی، نه غربی» و نفی هرگونه سلطه‌پذیری تجلی یافته است.

هویت‌سازی و رسالت‌آفرینی؛ بیانیه با ترسیم یک بنیاد اخلاقی، برای همه ملت‌های تحت ستم الگوپردازی می‌کند. مخاطب با قرائت آن، هویت فردی منزوی را رها کرده و خود را امت صاحب رسالتی می‌یابد که باید راه رهبر شهید را ادامه دهد.

پیوند تربیت فردی و حرکت جمعی؛ هرچند مقاومت امری اجتماعی است؛ اما تحقق آن مشروط به ساختار تربیتی تک‌تک آحاد جامعه است. بیانیه صفاتی چون صبر، شجاعت و

داشتند. ایشان با صراحت و قاطعیت تمام معتقد بودند که هرچه رهبر و مسئولان نظام به توده‌های محروم، مستضعف و زحمتکش جامعه و به زندگی ساده، بی‌آلایش و بی‌ریای مردم نزدیک‌تر باشند، ارتباطشان با مردم عمیق‌تر، فهم‌شان از مشکلات واقعی جامعه دقیق‌تر و تأثیرگذاری‌شان بر قلوب و اذهان عمومی، گسترده‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

آنچه دیدگاه راهبردی و عمیق امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام) را در این توصیه اساسی توجیه می‌کند، همراهی انقلاب و راهبران آن با توده مردم در نظام اسلامی است. طبعاً در نظر نگرفتن این ملاک، به‌مرور زمان می‌تواند به یکی از عوامل اصلی انحراف اهداف متعالی انقلاب، فاصله‌گرفتن از عدالت اجتماعی و از دست‌رفتن سرمایه عظیم اعتماد عمومی بینجامد.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به گواهی سیره عملی، سابقه زندگی و رفتار مستمر و بی‌آلایش خود، سال‌های متمادی و با وجود حضور در متن قدرت، دسترسی به امکانات و جایگاه اجتماعی والا، از هرگونه تجمل، اشرافی‌گری و دوری از مردم پرهیز کرده‌اند. ایشان با «آگاهی زیسته» از زندگی معمولی و دشواری‌های مردم (که نمونه‌های آن را می‌توان در رفتارهایی ساده، اما معنادار مانند ایستادن در صف نانویی، استفاده از حمل و نقل عمومی، حضور بی‌تشریفات در مجالس عمومی و نشست‌های مردمی مشاهده کرد)، به یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین مزیت‌های معرفتی و شناختی دست یافته‌اند. این نوع زندگی و رویکرد، پادزهری قوی و کارآمد در برابر «توهم دانایی از راه دور» است که دامن‌گیر بسیاری از نخبگان، مدیران و کارگزاران سیاسی می‌شود و آنان را از درک صحیح، عینی و همه‌جانبه واقعیت‌های میدانی جامعه محروم می‌سازد و تصمیمات آنان را از بستر واقعی حیات اجتماعی دور می‌کند.

بدین‌ترتیب، انتخاب ایشان، گامی راسخ و عملی در مسیر تحقق همان معیارهای بنیادینی(ساده‌زیستی، زهد، درک عمیق از مردم و زندگی در میان ایشان) بود که امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام) برای یک رهبر تراز انقلاب اسلامی ضروری می‌دانستند. این ویژگی، در کنار سایر امتیازات، تصویر جامعی از رهبری ارائه داد که نه‌تنها در علم و عمل، بلکه در سبک زندگی و منش اخلاقی نیز الگویی تمام‌عیار برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

قاطعیت را به آحاد جامعه ارجاع می‌دهد تا از مقاومت فردی، مقاومت مستحکم جمعی حاصل شود.

نفی تبعیض و توجه به محرومان؛ تأکید بر جایگاه «پابرهنگان و محرومان» و پیوند وفاداری آنان با آرمان عدالت‌خواهی، نشان‌دهنده جهت‌گیری ضد رفاه‌طلبی بیانیه است.

رسالت تبیینی و اصلاح تصویر مقاومت: در ادبیات رسانه‌ای جهان، مستکبران تلاش می‌کنند ملت‌های مقاوم را انسان‌هایی «لجوج، سرسخت و غیرتعامل‌گرا» نشان دهند. این بیانیه با طرح مفاهیمی چون «دفاع از حق استقلال»، «صلح‌طلبی عزتمندانه» و «مقابله با تسلیم‌طلبی» وجهه مثبت، عقلانی و ایجابی مقاومت را برجسته می‌کند؛ ما لجباز نیستیم؛ بلکه پایبند به یک اندیشه والاییم.

• بخش چهارم: بیانیه به‌مثابه

الگویی برای دیپلماسی مردمی

این بیانیه قابلیت بالایی برای تبدیل‌شدن به یک مدل ساختاریافته در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی مردمی دارد؛ چراکه مخاطب خود را عام و فراتر از جهان اسلام تعریف می‌کند و با به‌کارگیری کلیدواژه‌های عمومی‌سازی چون استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و دفاع از حقوق پابرهنگان، زمینه‌گفتمان‌سازی جهانی را فراهم می‌آورد.

بر اساس مفاهیم این سند، ساختار پیشنهادی برای دیپلماسی مردمی را می‌توان در قالب یک سیر منطقی و چهارمرحله‌ای به شرح زیر تبیین کرد:

۱.ریشه و مبدأ حرکت(هسته مرکزی)؛ پیام اولیه و بنیادین این الگو، بر مبانی «توحید و نفی عبودیت غیر خدا» استوار است. این لایه، روح حاکم بر تمام فعالیت‌های بین‌المللی است که جهت‌گیری الهی نظام مقاومت را مشخص می‌سازد.

۲. زبان و ابزار تفاهم جهانی (لایه میانی)؛ برای برقراری ارتباط با دنیا، بیانیه از مفاهیمی بهره می‌گیرد که فراتر از فضای صرفاً اسلامی، برای کل بشریت قابل فهم و پذیرش باشد. این زبان عمومی، همان تأکید بر «کرامت ذاتی انسان‌ها و تحقق عدالت اجتماعی» است که می‌تواند ملل مختلف را پیرامون یک آرمان مشترک جمع کند.

۳. ابزار و شیوه اقدام (لایه عملیاتی)؛ در مقام عمل، این دیپلماسی به دنبال «ایجاد پیوند، هم‌افزایی و همبستگی میان تمامی مستضعفان جهان» است. این مرحله در واقع بستر سازمانی و عملیاتی حرکت است که از طریق تبادل تجربه ایستادگی میان گروه‌های تحت ستم محقق می‌شود.

۴. چشم‌انداز و غایت حرکت (افق نهایی)؛ هدف غایی این الگوی دیپلماسی، «گفتمان‌سازی عمومی و همه‌جانبه در سطح جهان برای مقابله با استکبار ملل» است؛ به‌گونه‌ای که ملت‌ها به یک خودآگاهی جمعی برسند و در برابر نظم ظالمانه بین‌المللی پایداری کنند.

• نتیجه‌گیری

الهیات مقاومت در اندیشه رهبر شهید، منظومه‌ای منسجم است که از «توحید اجتماعی» آغاز شده، از مجرای «ولایت و نفی طبقات» عبور می‌کند و در نهایت در قالب «دیپلماسی مردمی» و همبستگی مستضعفان جهان، افق بین‌المللی می‌یابد. بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، امتداد عینی و سند راهبردی این الهیات کلامی در عصر حاضر است که لزوم بازخوانی و بسط تنوریک آن در مجامع علمی بیش از پیش احساس می‌شود.



مروری بر مفهوم وحدت در بیانیه‌های امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی محبوب‌زاده

• مقدمه

بیانیه‌ها و پیام‌های امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای از آغاز زعامت تا امروز، یکی از مهم‌ترین منابع شناخت اولویت‌ها، دغدغه‌ها و راهبردهای ایشان برای اداره کشور و هدایت جامعه است. از میان ۱۸ پیام صادرشده، دستکم ۱۰ پیام دارای محتوای عمومی و راهبردی‌اند و خطاب به عموم مردم و مسئولان صادر شده‌اند.

بررسی این پیام‌ها نشان می‌دهد که «وحدت»، پرتکرارترین مفهوم کلیدی در بیانات ایشان است؛ مفهومی که با واژه‌هایی چون وحدت، اتحاد، انسجام، وحدت کلمه و یکپارچگی در مجموع حدود ۲۰ بار مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت این موضوع تا آن‌جاست که شعار سال ۱۴۰۵ نیز «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» تعیین شده است.

این مقاله با هدف تحلیل این مفهوم در پیام‌های ایشان، به بررسی سیر تأکید بر وحدت در بیانیه‌های مختلف می‌پردازد.

• روش بررسی و استخراج مفاهیم

برای استخراج مفهوم وحدت، پیام‌های عمومی ایشان از نظر بسامد واژه‌های مرتبط بررسی شد. واژه‌های «وحدت» (۱۷ بار)، «اتحاد» (۲ بار)، «انسجام» (۹ بار) و «وحدت کلمه» (۲ بار) به‌عنوان شاخص انتخاب شدند.

نتیجه این بررسی نشان داد که وحدت نه‌تنها یک توصیه اخلاقی یا اجتماعی، بلکه یک راهبرد کلان برای اداره کشور و حتی بین امت اسلام و منطقه در مدیریت بحران‌ها، مقابله با دشمن و پیشبرد پیشرفت ملی و منطقه‌ای است.

در ادامه مروری بر پیام‌ها خواهیم داشت.

• پیام‌های آغازین(اسفند ۱۴۰۴)

اولین پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای(۲۱ اسفند ۱۴۰۴)

در اولین پیام، پس از اشاره به نقش‌آفرینی مردم و «حضور عمارگونه ملت ایران»، امام سیدمجتبی خامنه‌ای به‌صراحت بر ضرورت حفظ وحدت تأکید می‌کنند:

«باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت که معمولاً در مواقع مضطیقه نمود خاصی پیدا می‌کند، خدش‌ه‌ای وارد نشود. این امر با صرف‌نظر‌کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.» ایشان همچنین نقش‌آفرینی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم را مشروط به حفظ وحدت می‌دانند:

«مهم این است که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، به‌خوبی درک و تا حد ممکن به‌اجرا گذاشته شود.»

پیام رهبررشید انقلاب به‌مناسبت عید نوروز (۲۹ اسفند ۱۴۰۴)

در این پیام، وحدت به‌عنوان یک نعمت الهی معرفی می‌شود که باید قدر دانسته شود:

«در حال حاضر در اثر وحدت عجیبی که بین شما هموطنان با همه تفاوت خاستگاه‌های مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده، در دشمن شکستگی به وجود آمده است. این را باید نعمتی خاص از ناحیه حضرت حق جلّ و علا دانست و بسیار بر آن با زبان و در دل و هم در مقام عمل، شکر بجا آورد. یکی از قواعد تخلف‌ناپذیر این است که هرگاه نعمتی مورد شکر قرار گیرد، به‌تناسب مقدار شکر، ریشه‌اش استوارتر شده یا ارتقاء می‌یابد و عنایات بیشتری روانه فرد شاکر می‌گردد. آنچه فعلاً در مقام اقدام به شکر عملی لازم است، این است که ما این نعمت عظمی را صرفاً رُحمتی از ناحیه حضرت حق جلّ و علا بدانیم و تا حد ممکن از آن خوب استفاده کنیم. این‌طور حتماً این انسجام بیشتر و پولادین‌تر شده و دشمنان‌تان خوار و خفیف‌تر خواهند شد.»

ایشان هشدار می‌دهند که دشمن با عملیات رسانه‌ای به‌دنبال ضربه‌زدن به وحدت ملی است:

«... یک مسیر دشمن، عملیات رسانه‌ای اوست که در این ایام، به‌طور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی از مردم، قصد خدشه در وحدت ملی و به‌تبع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و به‌دست خود ما این قصد شوم تحقق یابد.»

• بررسی پیام‌های سال ۱۴۰۵

پیام چهلم امام شهید ﷺ (۲۰ فروردین ۱۴۰۵)

در این پیام، ضمن معرفی رهبر شهید، بر یکی از تأکیدات برجسته ایشان یعنی «وحدت کلمه» اشاره می‌شود:

«از خصوصیات دیگر ایشان ایران‌دوستی و تلاش مستمر برای استقلال هرچه بیشتر ایران عزیز بود که در کنار آن، بر وحدت کلمه و انسجام ملی تأکید داشتند.»

امام سیدمجتبی خامنه‌ای، سپس به تحقق وحدت در چهل‌روز نخست پس از شهادت رهبر شهید ﷺ اشاره می‌کنند: «اما وقتی که بعد از قریب به ۳۷ سال، کرسی زعامت امت را ترک نمودند، شجره طوبه‌ای را که ریشه‌اش مستحکم و شاخ و برگ آن بر بخش‌های مهمی از منطقه و جهان سایه‌افکن شده است، از خود به جا گذاشتند. رویکرد دستیابی به «ایران هرچه قوی‌تر» از مسیر وحدت بین اقشار مختلف جامعه می‌گذرد که مکرراً مورد تأکید ایشان بود. شمهٔ قابل توجهی از این وحدت در این چهل‌روز تحقق پیدا کرد؛ قلوب مردم به هم نزدیک شد،



- عدم مراقبت از گوش‌ها که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا همسوی با ایشان.^۱
- دامن‌زدن به اختلافات پوچ سیاسی و برجسته‌کردن تفاوت‌های اجتماعی.^۲
- غفلت از نقشه دشمن با هدف ایجاد تفرقه و تجزیه اجتماعی.^۳
- تبدیل اختلافات غیرموجه و حتی موجه به تفرقه.^۵
- کاشتن بذر تردید، یأس، ترس، بدگمانی و اختلاف در دل‌ها.^۶
- عدم رعایت انصاف و شیوه درست در انتقاد به مسئولین.^۷
- انتخاذ تصمیم‌ها و انجام اقدامات کلان‌عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن پیوست مربوط به انسجام اجتماعی.^۸
- بیان سخنان ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی به‌ویژه از سوی مسئولین و نخبگان اجتماعی.^۹
- دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ‌طلبی.^{۱۰}

• جمع‌بندی راهبردی

بررسی پیام‌های امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای نشان می‌دهد که «وحدت»، یک مفهوم محوری و راهبردی در اندیشه ایشان است و نتایج و تأثیرات مهمی دارد که برخی از محوری‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- وحدت به‌عنوان نعمت الهی است.^{۱۱}
- شرط امنیت ملی است.^{۱۲}
- عامل پیشرفت کشوراست.^{۱۳}

– سپهر دفاعی در برابر جنگ ترکیبی دشمن.^{۱۴}

امام خامنه‌ای، به‌دلیل اهمیت بسیار زیادی که برای حفظ وحدت قائل هستند، از همان ابتدا، شعار سال ۱۴۰۵ را بر محور وحدت ملی شکل می‌دهند؛ این امر را وظیفه‌ای همگانی برای آحاد مردم و تمام مسئولان می‌دانند و در پیام اخیر، حکم قطعی می‌دهند به ممنوعیت اقدامات وحدت‌شکن:

«بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.»

این تأکید گسترده نشان می‌دهد که وحدت نه‌تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک راهبرد کلان برای اداره کشور و عبور از چالش‌های تاریخی است؛ بنابراین یکی از شاخص‌هایی که می‌توان عیار ولایت‌مداری خودمان، رسانه‌های مدعی انقلابی‌گری، شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار و مسئولین امر را با آن سنجید؛ اینکه ببینیم چقدر مقید به رعایت این امر قاطع ولی جامعه هستند.

• پی‌نوشت‌ها

- پیام به‌مناسبت عید نوروز، ۲۹ اسفند ۱۴۰۴.
- پیام به‌مناسبت چهلم امام شهید، ۲۰ فروردین ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت آغاز به کار مجلس، ۷ خرداد ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت آغاز به کار مجلس، ۷ خرداد ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت آغاز به کار مجلس، ۷ خرداد ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت سالگرد ارتحال امام، ۱۴ خرداد ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت بدرقه آقای شهید در ایران، ۲۶ تیر ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت هفته دولت، ۶ شهریور ۱۴۰۵.
- همان.
- همان.
- پیام به‌مناسبت عید نوروز، ۲۹ اسفند ۱۴۰۴.
- پیام به‌مناسبت عید نوروز، ۲۹ اسفند ۱۴۰۴.
- پیام به‌مناسبت شهادت رئیس‌جمهورشهید، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵.
- پیام به‌مناسبت سالگرد ارتحال امام، ۱۴ خرداد ۱۴۰۵.

رهبری درباره تفاهم‌نامه پردازختند، در این مورد هم حساسیت و پیگیری لازم را نشان دهند. متن پیام ایشان چنین است:

«لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه‌سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقّق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزّت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایت‌کار و حيله‌گر آمریکایی است. همان‌گونه که پیش از این مکرراً و مؤکداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته‌کردن تفاوت‌های اجتماعی، وظیفه همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دل‌باخته انقلاب و امام و رهبر شهید ﷺ در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حسّاس‌تر است.»

ایشان در فرازی دیگر از پیام به منتقدین دلسوز انقلاب هشدار می‌دهند که:

«ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اهتمام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه ارزشمندی به‌شمار می‌آید و فی‌نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره پیشروان بصیرت هستند، باید مراقب باشند تا این رویکرد، اولاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد.»

پیام ایشان به‌مناسبت هفته دولت: (۶ شهریور ۱۴۰۵)

در این پیام موضوع وحدت و انسجام را این‌گونه شروع می‌کنند که نشان از اهمیت موضوع و تأکید پی در پی است و از جمله مسائل اساسی کشور...:

«و باز از جمله مسائل اساسی کشور که همیشه باید در مرکز توجه دولت و دولتیان و همه‌مسئولین و اجزای حکومتی قرار داشته باشد، رعایت وحدت و مراقبت از انسجام اجتماعی است. هر اقدام در هریک از کلان‌عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، باید با ملاحظه پیوست مربوط به انسجام اجتماعی صورت بگیرد. بعضی از اقدامات که ممکن است در ظاهر، طرفدارانی هم در بین برخی از اقشار کشور داشته باشد، درصورتی‌که فاقد این پیوست باشد یا آنچه به‌عنوان پیوست در آن مورد تدوین شده، در مقام عمل مغفول واقع شود، می‌تواند ضررهایی به‌همان اقشار و دیگران وارد سازد. بی‌تردیدی هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ‌طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارت‌هایی بی‌واسطه یا باواسطه وارد ساخته، از این پس هم می‌تواند، همان تأثیر را به جا بگذارد؛ لذا بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.»

• موانع انسجام و وحدت در نگاه امام سیدمجتبی خامنه‌ای

بررسی متن بیانیه‌های امام و رهبر رشید انقلاب در این مدت نشان می‌دهد که ایشان در اغلب مواردی که تأکید به وحدت داشته‌اند، موانع این امر را نیز برشمرده‌اند که در ادامه به‌صورت تیتروار آورده شده است:

۱. عملیات رسانه‌ای دشمن^۱